

پلاتفرم سیاسی و ایدئولوژیک چپ در کردستان (بخش سوم)

از: رضا مصطفی سلطانی

شیوه تولید جدید

اقتصاد و بازار کار روی تمام جامعه تاثیر میگذارند. وقتی که ماشینها جدید و شیوه تولید صنعتی پا به عرصه تولید گذاشتند تنها شیوه انجام کار را عوض نکردند، بلکه تمام جامعه را متحول کردند. شیوه استنباط و درک انسانها را از خودشان و از دنیا را عوض کردند. شرایط زندگی روزانه و تمام سازمان جامعه عوض شد. قدرت استبدادی پادشاهان، اعیان و اشراف جای خودشان را به حکومت و پارلمان منتخب مردم داد.

به همان شیوه امروز نیز تحولات علمی و فنی شرایط تولید، تجارت، کار و تمام جامعه تغییر کرده خواهد کرد. صنایع کماکان جوابگوی بخش اعظم تولیدات ملی در کشورها هستند ولی به همان اندازه نقش صنایع در کاهش دادن بیکاری و بوجود آوردن کار و شغل‌های جدید کاهش یافته است.

بخش رو به رشد خدمات و سرویس‌های جدید در عرصه‌های گوناگون روز به روز نقش مهم تری در بوجود آوردن شغل‌های جدید دارد و مدل‌های گوناگون و متنوعی را از محل کار و سازمان‌های کار بوجود آورده و خواهند آورد. خواست و توقع درجه‌ای بالا از دانش، علم و توانایی‌های فنی و تکنیکی در این بازار جدید کار روز به روز رو به افزایش است.

شرکتهای بزرگ بیشتر جهانی و انترناسیونالیزه میشوند و همزمان تعداد شرکتهای کوچک نیز رو به افزایش است. تکنیک شبکه‌های اینترنتی روز به روز از اهمیت مرزهای کشورها و دوری جغرافیایی میکاهد و امکانات بیشتر و بازتری را برای تجارت و هماهنگی اقتصادی بوجود آورده است. پول سریع‌تر به تمام نقاط دنیا ارسال میشود و تولید شرکتهای در بخش‌های مختلف یک کشور و یا در چند کشور به سادگی قابل هماهنگی است. کانال‌های مفید و موثری برای مبادله سریع معلومات و اطلاعات، صادرات و واردات اقتصادی باز شده و می‌شود. شرکتهای و شغل‌های کاملاً جدیدی در حال رشد است و همزمان شکل و شیوه کار در شاخه‌های تولیدی قدیمی و با سابقه و جاافتاده در حال تغییرند. تغییرات در اقتصاد، تکنیک و شیوه تولید جدید اشکال و مدل‌های اجتماعی جدیدی را بوجود آورده و خواست و توقعات جدیدی را در مقابل سیاست مدرن قرار داده است.

امکان و شرایط جدیدی برای مطالبه برابری و عدالت باز شده و همزمان مشکلات اجتماعی و نابرابری‌های جدیدی هم بوجود آمده است. انترناسیونالیزه شدن اقتصاد انترناسیونالیزه شدن را از سیاست و تشکلهای کارگری میتلبد. سیاست و تشکل جدید لازم است و دمکراسی در مقابل آزمایش و محک جدیدی قرار گرفته است.

علاوه بر تکنیک و اقتصاد فاکتورهای دیگری نیز بر جامعه تاثیر گذاشته و سیاست‌های جدیدی را از سیاستمداران میتلبد. در کشورهای پیشرفته رفاه و تأمینات اجتماعی به انسانها امکان داده است که مستقلاً روی زندگی خودشان فکر کنند و تصمیم بگیرند.

برابری رو به افزایش بین زن و مرد امکان انتخاب افراد را گسترش داده و بینش انسانها در شیوه به خود و دیگران نگرستن را تغییر داده است. تمام اینها دست به دست هم داده و به سرعت مدل مقتدر و زورگویی قدیمی را در هم میشکند و مدلهای جدیدی را در روابط خانوادگی، روابط تولیدی و روابط اجتماعی پیش میکشد.

قدرت سرمایه

در نظم تولیدی سرمایه خصوصی سودآوری در صدر همه علایق و نیازهای دیگر بشریت قرار دارد. چگونگی بدست آوردن سود و هزینه‌های که برای کسب سود بر جامعه، انسانها و محیط زیست تحمیل میشود اِدا مورد توجه قرار نمیگیرد. احزاب سیاسی و تشکلهای کارگری مدتهاست که در مقابل سودجویی یکطرفه ایستاده‌اند ولی در پروسه تغییرات و تحولات جدید این ایستاده‌گی و مقاومت ضعیف شده است.

سرمایه اکنون کمتر به پایه‌های ملی و کشوری وابسته است. اما احزاب و تشکلهای کارگری کماکان در چهارچوب محدود کشور خود محصورند. به همان اندازه که سرمایه مالی و سودآوری آن از تولید واقعی و مستقیم کالاها آزاد میشود (به دلیل مخفی شدن در فوندها و پیدا کردن اسمهای مستعار برای خود و دادن بخش ناچیزی از سود به کارگران) به همان اندازه از سردرد، مقاومت و ایستادگی نیروی مقابل یعنی تشکلهای کارگری که به کار و تولید مستقیم متکی هستند، آزاد میشوند.

این موقعیت قدرتمند سرمایه، از طرفی ناتوانی سرمایه را در استفاده مفید از امکانات مالی به نفع رفاه اجتماعی و از طرف دیگر توانایی سرمایه را در بوجود آوردن نابرابریهای عمیق اقتصادی و اجتماعی را به وضوح نشان میدهد. سودجویی سریع و کوتاهمدت سرمایه ناپایداری را در اقتصاد جهانی تقویت میکند و در مواردی زیادی مشکلات جدی را در اقتصاد بعضی کشورها بوجود آورده است.

تمرکز و تشکیل شرکتهای بزرگتر در شکل اتحادیه و کارتل‌های مراکز اقتصادی بزرگی را در خارج از کنترل دموکراتیک جامعه تقویت میکند. در کشورهای فقیر انسانها را با حقوق بسیار نازل در شرایط کاری بسیار دشوار و طاقت فرسا به کار میگیرند. با تلاش متشکل شدن در اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری شدیداً و به شیوه‌های وحشیانه مقابله میشود. در کشورهای ثروتمند انسانهای که دیگر کارشان زیاد به صرفه نیست در خارج از بازار کار قرار میگیرند و بیکار می‌شوند.

همزمان به علت رشد فزاینده سرعت و شتاب کار، تعداد هر چه بیشتری از انسانها در محیط کار سلامتی و توانایی کارشان آسیب می‌بیند. آلودگی محیط زیست خصوصاً در کشورهای فقیر شدیداً و سریعاً رو به افزایش است. بنا به سودجویی بی پروایی سرمایه و عدم توجه و احساس همبستگی با نسلهای آینده استخراج بی رویه منابع طبیعی در این کشورها به سرعت سرسام‌آوری ادامه دارد.

در عالم سرمایه‌داری پول و پیشرفت اقتصادی تنها معیار و محک سنجش خوبی و بدی اوضاع جامعه است. ارزشهای انسانی مثل احساس همبستگی و سمپاتی انسانها برای یکدیگر مثل موجوداتی اجتماعی که از لحاظ مادی و معنوی به همدیگر نیازمندند تا سطح ارقامی که شاخص و نشاندهنده میزان و درجه مفیدی و سریعی در تولید و "به صرفه" بودن است، افت داده شده است.

نیروی کار مثل کالا مصرفی دیده می‌شود. نیاز بچه‌ها برای به سر بردن حداقل چند ساعت از شب و روز را با والدینشان به خاطر نیاز بازار کار به نیروی کار والدین به کنار گذاشته شده است. نیاز و آرزوی طبیعی بشر به تعلق و همبستگی و ارزش قائل شدن برای یکدیگر به یک موضوع شدیداً تجارتمندی تبدیل شده است و خودفروشی مرد و زن در جامعه رواج هرچه بیشتری پیدا کرده است.

عواقب و صدمه‌های ناشی از این روابط به همان اندازه صدمه‌های ناشی از ناتوانی سرمایه‌داری در به کار گرفتن منابع و امکانات اقتصادی در جهت رفع نیازمندیهای بشری زیانبار و مضرند و روابط اجتماعی سرد، زورگویانه، ناامن و بی اعتماد به همدیگر را دامن میزند.

قدرت جدید سرمایه‌داری به هیچ وجه تمام تحولات موجود در جامعه را منعکس نمی کند. سودجویی سرمایه‌داری به فاکتورهای مهمی در دنیای اطراف خود از قبیل: قوانین و موسسات قضایی و زیر بنای اقتصادی و اجتماعی که فقط در ارگانهای اجتماعی مثل مدارس و دانشگاهها، جاده، راه آهن و ارتباطات و... ممکن است بوجود آیند و حفظ شوند، کارگران و کارکنان که با قدرت و توانایی خودشان تمامی کالاها و سرویسهای اجتماعی را تولید و عرضه میکنند، مصرف کننده گان که با خرید و تقاضای خود هزینه تولید کالاها را پرداخت میکنند، شدیدا وابسته است. این وابستگی از قدیم و همیشه وجود داشته اما در شیوه تولید جدید این وابستگی به شدت افزایش یافته است.

شیوه تولید جدید به تکنیک و فن بسیار پیشرفته، به زیر بنای اقتصادی قوی و محکم که تنها از عهده تمام جامعه برمیآید تا آنرا در سطح بالایی حفظ و نگهداری کند، به تخصص وسیع و سطح بالا نزد نیروی کار و تقاضاهای جدید از طرف مصرف کننده‌گان برای کالاها و سرویسهای جدید محتاج است.

تمام اینها به ما مردم کارکن و مصرف کننده که صاحب سرمایه نیستیم امکانات بسیار زیادی را میدهد تا بر محیط پیرامونی خودمان در محل کار و زیستمان تاثیر بگذاریم و در بکار گیری سرمایه در جهت منافع جامعه سمت و سو دهیم.

دمکراسی انسانهای را ساخته است که خواهان تاثیرگذاری بر روی زندگی خودشان هستند و اجازه نمیدهند که به دنبال خواست و علایق سودجویانه سرمایه که به زندگی آنها مربوط نیست و امکان تاثیرگذاری و سمت و سو دادن به این خواستها را ندارند، هدایت شوند. افکار و ارزشهای دمکراتیک در طی چندین دهه مرتب در حال رشد بوده و این خود قویترین نیروی مقابله و مقاومت در برابر سرمایه داری است که می خواهد در جهت دادن به تحولات اجتماعی یکهتاز میدان باشد.

اکنون تمام نیروهای مبارزه در مقابل سرمایه جهانی (گلوبال) در حال رشد و گسترش هرچه بیشتری هستند. سیاست و احزاب سیاسی نیز در حال شکل دادن به خود برای فعالیت و همکاری انترناسیونالیستی است. دولت‌های ملی برای جلوگیری از سودجوییهای کوتاه مدت و سریع سرمایه مشغول تغییر دادن موسسات اقتصادی و سیاسی خود هستند. تشکلهای کارگری در حال جستجوی استراتژی انترناسیونالیستی برای مقابله با سیاستهای جدید سرمایه از قبیل انتقال کار از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر که باعث بیکاری کارگران در کشورهای ثروتمند و تن در دادن به سختترین شرایط کاری و معیشتی در کشورهای فقیر شده است، هستند.

جنبشهای مردمی و دمکراتیک از قبیل طرفداران محیط زیست، صلح، مقابله با بیماری و اپدمیهای واگیر در کشورهای فقیر، خرید و فروش انسانها (بردهداری مدرن)، مقابله مواد مخدر و فحشا و... با استفاده از ابزارهای سریع و مدرن امروزی مشغول شکل دادن به افکار عمومی راه انداختن اکسیونها هستند.

عکس العمل مصرف کننده علیه شرکتهای چند ملیتی در مواردی شرکتها را وادار کرده که در کشورهای فقیر در مقابل کارگران خود مسئولیت اجتماعی بیشتری از قبیل شرایط کار و بیمه و بازنشستگی به عهده خود بگیرند.

فعالیت برای حفظ محیط زیست سبز و تجدیدنظر و سازمان دادن شیوه تولید که با ظرفیت منابع طبیعی کره زمین از لحاظ اکولوژی همخوانی داشته باشد و از بجا گذاشتن دنیای پر از زباله و تفاله برای نسلهای آینده پرهیز شود، نیروی بسیار عظیمی را دور خود جمع کرده و در مقابل سودجوی کورکورانه سرمایه‌داری ایستاده‌گی بین المللی می‌کنند.

شرایط و اوضاع و احوال از خیلی لحاظ با دوران انقلاب صنعتی در دو سده گذشته شباهتهای زیادی دارد. وجه مشخصه اولیه آن دوره عبارت بود از توزیع بسیار ناعادلانه فراورده‌ها و دستاوردهای جدید بشری در آن دوره که شیوه تولید جدید در آن دوره با خود به ارمغان آورده بود. بیش از همه گروه‌های از سرمایه‌داران که کنترل و سودآوری سرمایه صنعتی و مالی را به عهده خود گرفته بودند قوی و قویتر شدند.

اما جوامع صنعتی آندوره در مقایسه با جوامع قبلی خود فضا و شرایط را برای زندگی بهتر برای همه انسانها جامعه بوجود آورده بود. این شرایط بهتر (در مقایسه با گذشته آندوره) نیروی مادی و معنوی، زمینه و امکان تلاش برای کاهش دادن شکاف و اختلاف عمیق در توزیع ثروت و سامان و قدرت جامعه را به انسانهای آن زمان داد.

جنبشهای کارگری خودشان را در تشکلهای سیاسی و صنفی سازمان داده و وسیعا در مقابل حکومتهای اقلیت سرمایه‌داران ایستادند و مجموعه‌ای مطالبات سیاسی و اقتصادی را به سرمایه‌داران تحمیل کردند.

به همان شیوه دو سده گذشته، تولید و تکنیک جدید امروزی نیز امکان دمکراسی و رفاه بیشتری را فراهم کرده است. اکنون نیز مثل دوران انقلابات صنعتی این پیشرفت عمدتا از جانب سرمایه داران که کنترل سرمایه‌گذاریها را در دست دارند مورد سوهاستفاده قرار گرفته و باعث ایجاد شکاف و نابرابری بیشتری در جوامع شده است. اما شیوه تولید جدید امکان و توان مقابله با سود جویی سرمایه‌داران را برای کارگران و کارکنان این دوره با خود به همراه آورده است. اکنون نیز مثل گذشته آن نیرو و جریانی که بتواند منافع اکثریت جامعه را در خود گرد آورد و به شیوه‌ای شفاف و قابل اجرا در امروز فرموله کند قوی و قویتر خواهد شد.

هیچ تشکیلات اجتماعی و اقتصادی در نهایت نمیتواند توانایی ایستاده‌گی و ادامه به حیات خود را در مقابل این جنبشهای اجتماعی حفظ کند. قبضه شدن قدرت در دست سرمایه‌داران مسئله‌ای اجتناب ناپذیر و غیر قابل تغییر نیست. این روند را میتوان به کمک فعالیت سیاسی و اتحادیه‌ای تغییر داد. امکانات و شرایط مساعد جدید زمینه گسترش دمکراسی و رفاه را فراهم کرده اما تمایل و قدرت سیاسی برای تغییر این روند لازم و ضروری است.

ما باید بخشی از آن نیروی سیاسی باشیم که از گلوبالیسم مثل ابزاری برای رسیدن به دمکراسی، رفاه و عدالت اجتماعی به شیوه‌ای احسن استفاده کنیم.

طبقات جدید

مفهوم "طبقه" تفاوت‌های سیستماتیک در شرایط زندگی انسانها که ناشی از مناسبات و روابط تولیدی است و در تمام عرصه‌ها بر زندگی تاثیر میگذارد را توصیف می‌کند. تفاوتها عبارتند از توانایی مالی، میزان تاثیرگذاری روی کار و زندگی خود و میزان تاثیرگذاری و دخالت در امور جامعه‌ای که انسانها در آن زندگی میکنند.

در کشورهای ثروتمند و پیشرفته دمکراسی و رفاه در جامعه شکاف طبقاتی را کمتر کرده است. اما کماکان تفاوت‌های بزرگ و عمیقی که ناشی از شرایط و شیوه تولیدی است، بین انسانها موجود است. بحران اقتصادی دهه 1990 باعث افزایش مجدد اختلافات طبقاتی در کشورهای پیشرفته شده است. نابرابری در تمام عرصه‌ها زندگی مثل حقوق و

شرایط کاری. وضعیت سلامتی، تحصیلات فرزندان، مسکن و میزان دسترسی به امکانات فرهنگی و فراغت از کار مشاهده میشود.

اکنون نیز مثل گذشته اختلافات طبقاتی به معنای تحمیل محدودیتهای بزرگی در امکان رشد آزاد و پیشرفت انسانها و شرکت در زندگی اجتماعی با شرایطی برابر با همدیگر است. اختلاف و شکاف تعیین کننده و اساسی در بین کسانی که سرمایه‌های هنگفتی را در اختیار دارند و کسانی که فقط صاحب نیروی کار خود هستند قرار دارد. این تمایز بین کار و سرمایه پایه اصلی تحلیل طبقاتی مرسوم از جامعه را تشکیل می دهد.

اما شیوه تولیدی جدید امروزی هر دو فاکتور کار و سرمایه را تغییر داده و روی کاراکنر مدل طبقات مرسوم نیز تاثیر گذاشته است. تغییرات در جهتهای مختلفی صورت گرفته است. در بعضی جهات اختلاف و مقابله بین کار و سرمایه شدت بیشتری پیدا کرده است. در جهاتی دیگر مرز بین کار و سرمایه بیشتر دینامیک، متحرک و متغییر است و سرمایه انسانی به همان اندازه سرمایه مالی مهم و نقش تعیین کننده دارد.

یکی از تغییرات مهم و اساسی عبارت است از ضعیف شدن آشکار رابطه مستقیم مالکیت و مسئولیت تولید در شرکتهاست. مالکیت سرمایه زیر نامهای مستعاری مثل фонدهای سهامی، بازنشستگی و موسساتی از این قبیل سازمان یافته و مخفی شده‌اند. این موسسات بخش اعظم سرمایه را تشکیل میدهند و سرمایه‌گذارها رابه نفع و حساب اعضایش هدایت و اداره می کنند. افزایش مالکیت فوندها و ... خواست سودآوری سریع را در کوتاه مدت به شدت افزایش داده است. همزمان امکان و تحرک سریع سرمایه‌گذاری بین المللی باعث افزایش توقع سودآوری و میزان سهم سرمایه در سود و حاصل سرمایه‌گذارها شده است.

این اوضاع به شیوه‌های متعدد و گوناگونی مثل سرعت و شتاب تندتر در کار، اخراج و اخطارهای بیشتر با فاصله زمانی کم و کمتر، استفاده هرچه بیشتر از استخدام موقتی در پروژه‌های کوتاهمدت و ... تاثیر گذاشته است. این تغییرات ایجاد شده در مالکیت تضاد و تقابل کار و سرمایه را افزایش داده است.

خیلی از موسساتی که سرمایه در آنها خود را سازمان داده و پنهان کرده در فوندهای بازنشستگی و شرکتهای بیمه قرار دارند که از پول کارگران و کارمندان تشکیل شده است. این بدین معنی است که امکانات تازه‌ای برای تمامی حقوق بگیران پیدا شده است که بطور دسته جمعی بتوانند روی شیوه استفاده و بکارگیری سرمایه نقش داشته باشند و تاثیر بگذارند. این امکانات تازه باعث تا درجه ای "نرم" شدن تضاد بین کار و سرمایه شده است و مثل گذشته رابطه تند و خشن جلوه نمیکند.

دانش و تخصص روز به روز در کار تولیدی از اهمیت و سنگینی بیشتری برخوردار میشود. موفقیت شرکتهای هر بیشتر به میزان توانایی و تخصص کار کارکنان شرکت وابسته شده است. شرکتهای به کارکنان با تحصیلات دانشگاهی و تکنیکی در سطح عالی نیازمندند. توقع شرکتهای از کارکنانش در زمینه استعداد و صلاحیت اجتماعی که توانایی همکاری و کار مستقل با وظایف گوناگون در عرصه‌های مختلف بالاتر رفته است. این بدان معنی است که بنا به بینش سوسیالیستی کلاسیک این عده از کارکنان میتوانند کنترل روی کار خودشان را افزایش دهند و بدینوسیله موقعیت خودشان را از لحاظ اقتصادی تقویت و تحکیم بخشند. اما تحولات جهتهای دیگری نیز دارد. عده زیادی از کارکنان و کارگران رابطه‌اشان را با بازار کار از دست میدهند و شدیداً در حاسیه جامعه قرار میگیرند و روز به روز فقیرتر میشوند و تضاد کار و سرمایه بیشتر و بیشتر می شود.

فاصله بین کارگرانی که در بازارکار به حاشیه رانده شده اند با آن دسته از کارگران و کارکنان که از امتیازات و موقعیت برتری برخوردارند رو به افزایش است. کارگرانی که دارای موقعیت برتر هستند از لحاظ اقتصادی و کاری موقعیت برتری برای خود کسب کرده‌اند. عده زیادی از این گروه هم سرمایه دانش و تخصص که امروز از اهمیت بالایی برخوردار است، را دارند و هم از تصاحب سرمایه مالی از طریق سهام در فوندها برخوردارند. این تحولات بعضاً مثل تشکیل "طبقه سوم" در جامعه از جانب جامعه شناسان توصیف می شود. خطر تشکیل جامعه‌ای دو سومی (2/3) یعنی به توافق و سازش رسیدن طبقه صاحب سرمایه با طبقه میانی (سوم) علیه طبقه کارگر که از موقعیت ضعیفی در بازار کار برخوردارند و در حاشیه قرار گرفته‌اند بیشتر می شود. این تحولات بطور همزمان امکان دو نوع توافق و اتحاد استراتژیک را فراهم کرده‌است از طرفی اتحاد علیه سرمایه صرفاً سودجو و از طرفی دیگر اتحادی در جهت سوق دادن چگونگی استفاده از سرمایه در مسیری که نیازمندیهای جامعه و انسانها در فکوس قرار گیرد.

مارس 2007. ادامه دارد.